



## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۶ آذر ۱۴۰۳

موضوع جزئی: آیه ۵۸ و ۵۹ - بخش‌های پنج‌گانه آیه ۵۸ - بخش پنجم: «نغفر لکم خطایاکم و سنزید المحسنین» - مصادف با: ۲۴ جمادی الاول ۱۴۴۶

جلسه: ۱۷

مطلب چهارم: تفاوت خطیئة و الفاظ مشابه آن - ۱. «خطیئة» - ۲. «اثم»

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

**مطلب چهارم: تفاوت «اثم»، «ذنب»، «معصیت»، «سینة» و «خطیئة»**

در جلسه گذشته وعده دادیم درباره «خطیئة» و «خطایاکم» که در آیه ۵۸ آمده و تفاوت آن با برخی الفاظ مثل ذنب، اثم، معصیت، سینة، مطالبی را عرض کنیم؛ اینها از نظر معنایی نوعاً به یک معنا هستند، لکن یک تفاوت‌هایی بین اینها هست و بعضاً موجب این شده که موارد استعمال اینها فرق کند.

#### ۱. «خطیئة»

ما از لفظ خطا یا خطایا یا خطیئة شروع می‌کنیم؛ خطیئة از ریشه خطا در مقابل صواب است. خطا در ابعاد مختلف ممکن است اتفاق بیفتد، لکن مهم این است که خطا به چه معناست و آنچه در این آیه استعمال شده چه معنایی را می‌رساند. کتب متضمن مباحث مربوط به لغات قرآنی یا کتب مربوط به فروق لغت، انواع و اقسامی برای خطا ذکر کرده‌اند. مثلاً اقرب الموارد می‌گوید خطا به سه معناست: گناه، ضد عمد و ضد صواب. گاهی خطا در مقابل عمد به کار می‌رود، مثلاً می‌گویند قتل خطایی، قتل عمدی؛ البته سهو هم به نوعی ملحق به خطاست. گاهی خطا گفته می‌شود در مقابل صواب، یعنی الاصابة الی المقصد؛ وقتی کسی به واقع می‌رسد و به هدف می‌رسند، می‌گویند مصاب است؛ یعنی کسی که به آن هدف رسیده و در مقابلش خطاکار کسی است که به مقصد نرسیده و مصاب نیست و مخطء یا خاطی محسوب می‌شود. بین مخطء و خاطی هم فرق است؛ ما در قرآن هم این استعمالات را می‌بینیم؛ مثلاً در آیه ۸۱ سوره بقره آمده است: «بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»؛ اینجا یک معنایی از خطیئة مدنظر است که همان گناه است و الا کسی که مثلاً به غیر عمد کاری را انجام بدهد، درباره او نمی‌گویند «فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»؛ خطیئة در اینجا به معنای گناه است. آیه ۲۸۶ سوره بقره: «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا»، می‌فرماید: خدایا! ما را به واسطه نسیان یا خطایمان مؤاخذه نکن. اگر ما اینجا «أَخْطَأْنَا» را به معنای گناه بگیریم، اینجا می‌توانیم بپذیریم که از خدا تقاضای عدم مؤاخذه می‌کند. اما اگر گفتیم خطا در مقابل عمد است، اینجا دو احتمال دارد؛ یک وقت می‌گوییم این آیه دلالت می‌کند که خطا هم مؤاخذه دارد، مثل نسیان؛ چون اینجا نشان می‌دهد که نسیان هم مؤاخذه دارد. آن وقت جای سؤال است که چطور می‌شود نسیان و خطا مؤاخذه داشته باشد، پاسخ این است که نسیان و خطا تارة از روی اهمال، بی‌مبالاتی و بی‌اعتنایی است، و آخری از روی بی‌اعتنایی و اهمال نیست. به عبارت دیگر درست است که نسیان و خطا دست خود انسان نیست و انسان نسبت به آنها اختیار ندارد، اما سبب آن گاهی اختیاری است. اگر سبب نسیان و خطا را خود انسان فراهم کند، اینجا جای مؤاخذه است؛ اما اگر سبب نسیان و خطا به

دست خود انسان واقع نشود، اینجا مؤاخذه معنا ندارد؛ چون به حسب قواعد شخصی که خطا می‌کند یا فراموش می‌کند، طبق حدیث رفع این اصلاً مؤاخذه ندارد.

لذا اینکه از خدا تقاضای عدم مؤاخذه و عدم عقاب نسبت به نسیان و خطا می‌کند، باید حمل شود بر آن مواردی از نسیان و خطا که به سبب اهمال و بی‌توجهی و کوتاهی یا تقصیر، یک کاری از انسان سر زده است و الا لولا این سبب اختیاری، نسیان که مؤاخذه ندارد و تقاضای عدم مؤاخذه هم معنا ندارد. پس خطا در اینجا می‌تواند به معنای همان خطا در مقابل عمد باشد و می‌تواند به معنای گناه باشد؛ منتها اگر به معنای گناه باشد، باید بگوییم نسیان در کنار گناه ذکر شده باشد؛ اینکه نسیان در کنار گناه ذکر شده باشد و از خداوند درخواست عدم مؤاخذه شده باشد، این با ظاهر آیه و این معنا سازگار نیست.

برخی از مفسرین گفته‌اند: خاطئین در قرآن مجید چندین بار ذکر شده و معنای همه آنها این است که کسی عمداً خطا و گناه کرده باشد. مثل آیه ۸ سوره قصص: «إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ»، خاطی به شخص گناهکار اطلاق می‌شود، اما مخطئه به کسی است که گناه کرده و معذور است؛ همان خطای در مقابل عمد؛ گناه است اما گناهی است که به خاطر آن می‌تواند عذر بیاورد. یا مثلاً در آیه «وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ»؛ اینجا هم خاطئه به معنای گناه است. در آیه ۱۶ سوره علق آمده: «نَاصِيَةٌ كَازِبَةٌ خَاطِئَةٌ» اینجا خاطئه به معنای گناه است. پس در موارد استعمال شما ملاحظه می‌فرمایید که به معنای گناه آمده اعم از گناه همراه با عذر یا گناه بدون عذر. اگر گناه با عذر باشد، طبیعتاً یا مورد سؤال قرار نمی‌گیرد یا اگر هم مورد سؤال قرار بگیرد، عذر در برابر آن وجود دارد؛ اما گاهی خطاکار عذری ندارد و مسؤل است و مورد سؤال قرار می‌گیرد؛ آن خطایی که مورد سؤال قرار می‌گیرد، همان گناه است که قبلاً هم اشاره شد. مثل این آیه: «وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا»؛ اینجا هر دو را به کار برده است؛ حالا در مورد اثم هم توضیح خواهیم داد. هر کسی که خطیئه یا گناهی انجام بدهد و بعد آن را به گردن یک شخص بیگناه بیندازد، یک گناه آشکار را بر عهده گرفته است. اینجا تعبیر خطیئه به کار رفته، اما این خطیئه به کدام یک از این معانی است؟ آیا به معنای گناه است یا به معنای خطا در مقابل صواب است یا خطا در مقابل عمد؟ «وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً» خطای کسی است که عذر دارد و جای سؤال نیست؛ منتها اینجا سخن در این است که کسی این خطای خودش را به گردن دیگری بیندازد، این می‌شود بهتان؛ خودش خطا کرده و به گردن دیگری می‌اندازد.

## ۲. «اِثْم»

حالا فرقی با اثم چیست؟ اثم یعنی گناه و یک معنای واضح و روشنی دارد؛ اثم یعنی گناهکار، کسی به ضرر افتاده؛ در آیات قرآن کلمه اثم و مشتقات آن نزدیک به ۵۰ بار تکرار شده است، اثم، اثم، اثم، «وَمَنْ يَكْتُمُهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ»<sup>۳</sup>، هر کسی شهادت را کتمان کند، قلبش گناهکار است؛ «وَيَلُّ لِكُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٌ»<sup>۴</sup>، اثم صیغه مبالغه است، کسی که زیاد گناه می‌کند. «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيْمًا»<sup>۵</sup>. تأثم یعنی انداختن گناه به گردن دیگری و نسبت دادن گناه به دیگری. می‌خواهد بگوید بهشت جایی

۱. سوره حافه، آیه ۹.

۲. سوره نساء، آیه ۱۱۲.

۳. سوره بقره، آیه ۲۸۳.

۴. سوره جائیه، آیه ۷.

۵. سوره واقعه، آیه ۲۵.

است که نه سخن بیهوده وجود دارد و نه نسبت دادن گناه به دیگران.

این لفظ و مشتقات آن به معنای کند شده، عقب افتاده؛ وقتی می‌گویند «ناقة آثمة» یعنی شتری که عقب افتاده. به گناه گفته‌اند اثم، چون انسان به واسطه انجام آن، از خیر باز می‌ماند و عقب می‌افتد. به همین جهت به گناه می‌گویند اثم. پس اثم وقتی استعمال می‌شود، به جهت عقب ماندن انسان از قافله خیر و تکامل است.

کلمه خطیئه که در اینجا طبق برخی قرائات در آیه محل بحث وجود دارد، در قرآن سه بار استعمال شده است؛ یکی آیه ۸۱ سوره بقره، یکی آیه ۸۲ سوره شعراء و در یک مورد دیگر هم هست. هر کدام از این استعمالات به یکی از معانی که گفتیم؛ یا به معنای گناه است، یا به معنای خطا در مقابل عمد است، یا به معنای خطا در مقابل صواب.

#### **بحث جلسه آینده**

دو سه لفظ دیگر مانده؛ لفظ ذنب، معصیت و سیئه. باید اینها را بگوییم و فرق‌های اینها را بگوییم و بعد اینجا معلوم شود که «خطایاکم» به چه معناست.

«والحمد لله رب العالمین»